



ژیلبر لازار از ایرانشناسان برجسته فرانسوی است که پژوهش‌های او دربارهٔ دستور زبان فارسی، شکل‌گیری زبان فارسی و کهن‌ترین آثار برجسته نثر فارسی برای محققان و استادان زبان فارسی آشناست.

فرصت کوتاهی در سفر پروفیسور لازار به ایران برای کتاب ماه ادبیات و فلسفه فراهم شد تا با حضور دکتر هرمز میلانیان، دکتر هوشنگ رهنما، دکتر مهستی بحرینی و لطف‌الله ساغروانی گفتگویی دربارهٔ زندگی و آثار لازار انجام شود. از دکتر میلانیان بخاطر تنظیم، آماده‌سازی و ویرایش این نشست ساده و صمیمی سپاسگزاریم.

□ محمدخانی: جناب آقای لازار! خیلی تشکر میکنم از جنابعالی و همچنین از دوستان محترم. ابتدا، اگر موافق باشید، دربارهٔ خودتان و آثارتان بحث را شروع کنیم.

■ لازار: دربارهٔ خودم چه بگویم؟ چه میتوانم عرض کنم؟

□ محمدخانی: اینکه چطور به زبان فارسی و ایرانشناسی علاقه‌مند شدید و چه کارهایی در این زمینه داشته‌اید.

□ میلانیان: ... و نیز به زبان‌شناسی عمومی.

■ لازار: چطور شد که من ایرانشناس شدم؟ حُب،

عرض کنم که تحصیلات دانشگاهی من در رشتهٔ زبانهای کلاسیک اروپا یعنی فرانسه، لاتین و یونانی قدیم بود. بعد از اتمام تحصیلاتم در این رشته، میخواستم زمینهٔ دیگری را غیر از زبانهای کلاسیک اروپایی انتخاب کنم و چون بطور کلی به زبان‌شناسی علاقه داشتم، به بررسی و ارزیابی زبانهای مختلف پرداختم و رفتم پیش چندین استاد در «مدرسهٔ زبانهای شرقی» و مدتی کوتاه به کلاسهای آنها سرزدم و کمی با زبانهای مختلفی که در آنجا تدریس میشد آشنا شدم مثلاً زبان تایلندی، زبانها و لهجه‌های بربر (در شمال افریقا)؛ و زبان عبری. دوسه ماه نیز در کلاس خانمی که استاد زبانهای افریقایی بود حاضر شدم. ولی هیچیک از این زبانها چندان باب طبعم نیافتادند تا اینکه بالاخره رفتم سر کلاس هانری ماسه که استاد فارسی در این مدرسه بود. از فارسی و آهنگ آن خوشم آمد. پس اینطور بود که فارسی را انتخاب کردم.

□ محمدخانی: چه مدت پیش هانری ماسه بودید؟

■ لازار: دورهٔ تدریس فارسی رسماً سه سال بود ولی من در آن موقع بیش از دو سال کلاسهای ماسه را تعقیب نکردم چون هنگام جنگ جهانی دوم و اشغال فرانسه بود و در آن سال یعنی ۱۹۴۳ قرار بود من به «نهضت مقاومت فرانسه» بپیوندم. به همین جهت استاد ماسه موافقت کرد که پیش از موعد یعنی قبل از تعطیلات تابستان از من امتحان بعمل آورد. ولی بعد از پایان جنگ، دوباره به تحصیل در رشتهٔ زبان فارسی ادامه دادم.

□ محمدخانی: غیر از هانری ماسه با چه استادان دیگری تماس داشتید؟

■ لازار: بخصوص با امیل بنونیست زبان‌شناس و ایرانشناس بزرگ فرانسه. البته او فارسی تدریس نمیکرد بلکه متخصص زبان‌شناسی ایرانی در حوزهٔ زبانهای باستانی ایران بود، بعنوان شاخه‌ای از خانوادهٔ زبانهای هندواروپایی [بنونیست در بازسازی زبان هندواروپایی مادر نیز آثار مهمی برجای گذاشته‌است] و من بخصوص در سخنرانیهای او در «کلژ دو فرانس» شرکت میکردم.

□ میلانیان: باید یادآور شویم که بنونیست یکی از صاحب‌نظران برجستهٔ زبان‌شناسی عمومی نیز بشمار میرود. آقای لازار، بعداً شما به ایران آمدید و مدت دو سال و نیم در ایران بودید، اینطور نیست؟

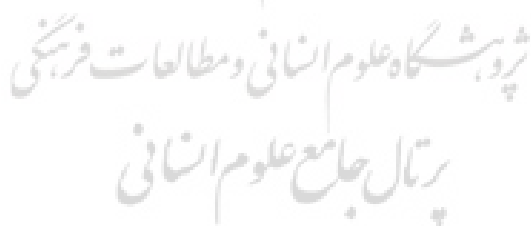
■ لازار: بله، در اواخر سال ۱۹۴۸. من اول بعنوان دانشجوی خارجی در باشگاه دانشگاه تهران اقامت داشتم و سر کلاس استادان دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران حاضر میشدم یعنی استادانی چون فروزانفر، عباس اقبال، جلال همایی، دکتر ذبیح‌الله صفا، مجتبی مینوی، دکتر معین و دکتر خانلری (که با او آشنایی نزدیکتری هم داشتم).

□ میلانیان: یعنی بزرگان ادب فارسی آنروز.

■ لازار: بله، استادان بزرگ ادب فارسی.

□ محمدخانی: ملک‌الشعراى بهار چطور؟

■ لازار: او را یکبار دیدم ولی او در آنموقع تدریس نمیکرد. دوسه بار هم رفتم خدمت استاد محمد



گفت و گو با پروفیسور ژیلبر لازار

اگر آن ترک شیرازی...

قزوینی اما او کمی بعد فوت کرد.

□ **میلانیان:** شما در همین دوره بود که با صادق هدایت هم آشنا شدید.

■ **لازار:** بله، کمی. او را دوسه بار دیدم ولی وی بزودی به فرانسه رفت و هنگامی که در ۱۹۵۱ در پاریس خودکشی کرد، من هنوز در تهران بودم.

□ **محمدخانی:** جناب لازار، از میان استادان ایرانی از کدامشان بیشتر خاطره دارید یا بیشتر بهره بردید؟

■ **لازار:** جواب به این سؤال کمی مشکل است. بعنوان خاطره باید بگویم که من مدتی کوتاه با دهخدا همکاری کردم و خاطره خوبی از او دارم. دهخدا خیلی آدم خوبی بود. یادم هست که در آنزمان مرکز «لغتنامه» در منزل خود دهخدا بود و من هم به آنجا میرفتم. اطلاعی بود متوسط با صندلی راحتی ولی دهخدا روی قالی مینشست و فیشهای بسیاری دور و برش پراکنده بود.

□ **میلانیان:** اتفاقاً عکسی هم از این وضعیت چاپ شده.

□ **محمدخانی:** حالا لطفاً درباره آثارتان هم توضیح دهید.

□ **میلانیان:** اگر اشتباه نکنم در همان دوره بود که نوشتن دستور زبان فارسی معاصر به فکرتان رسید.

■ **لازار:** بله در همان سالهای پنجاه میلادی هم مشغول نوشتن این کتاب بودم و هم تمام کردن رساله دکترای خودم که باید در پاریس از آن دفاع میکردم.

□ **میلانیان:** موضوع رساله شما زبان کهنترین آثار برجسته نثر فارسی نبود که در اوائل سالهای شصت

میلادی منتشر شد و جایزه «آکادمی فرانسه» را نیز در رشته خود بدست آورد؟

■ **لازار:** بله همین کتاب بود.

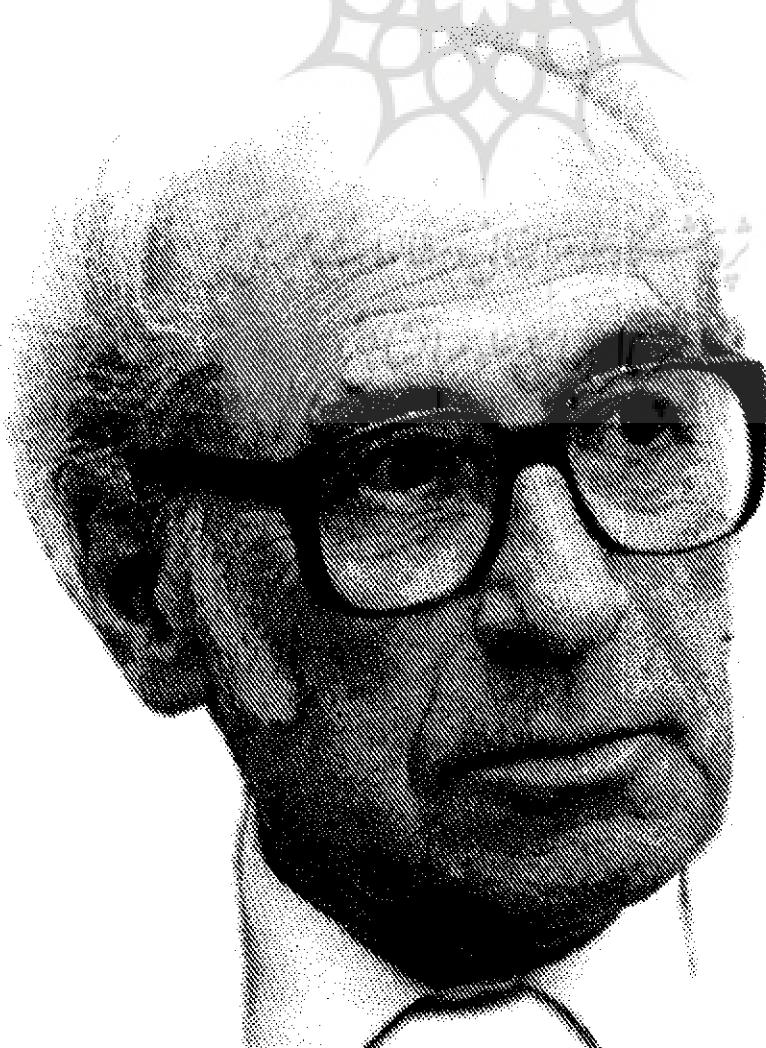
□ **میلانیان:** ... که امیدواریم به فارسی ترجمه شود چون اثر بسیار با ارزشی است و ما ۳۵ سال پیش، قبل از آنکه وارد دانشگاه تهران بشوم، در بخش «تاریخ زبان فارسی» بنیاد فرهنگ ایران از آن بسیار استفاده کردیم.

اجازه میدهید که من درباره کتاب دستور زبان فارسی معاصر نظر خودم را بگویم. این اثر که در سال ۱۹۵۷ میلادی یعنی ۴۳ سال پیش بچاپ رسیده، اولین دستوریست که زبان زنده گفتاری و نوشتاری فارسی معاصر را مطرح کرده است و هنوز هم از این نظر اعتبارش یاقیست و ما در آن نکاتی می یابیم که نمودار توجه به دقایق و ظرایفی از کاربرد و کاربرد زبان فارسی است که کمتر کسی بدان اشاره کرده است. به هر حال دستوری است بینظیر و بسیار مفید برای کسی که فارسی را بعنوان زبان بیگانه می آموزد و همچنین برای فارسی زبانانی که مشتاق شناخت عمیقتر ساختار زبان مادری خود هستند که درست به این دلیل که فارسی زبان مادریشان است به بعضی از نکات دستوری بسیار مهم آن که برایشان عادی و بدیهی مینماید، توجه نکرده اند. البته چندین سال پیش ترجمه انگلیسی این اثر نیز در امریکا منتشر شد که پیش از چاپ، استاد لازار تغییراتی در آن بویژه در فصل مربوط به آواشناسی فارسی و نیز شیوه آوانویسی مثالها (چون

تمام شواهد به خط فارسی همراه با آوانویسی آنها ارائه شده اند) و همچنین در بعضی از جزئیات فصلهای دیگر دادند و از من هم (که در آن موقع در پاریس بودم) خواستند که مشترکاً این ترجمه را بازنگری کنیم که نتیجه آن در درجه اول روان کردن برگردان انگلیسی بود (که خیلی تحت اللفظی ترجمه شده بود) و سپس تغییراتی که به آن اشاره شد. خانم دکتر مهستی بحرینی که در اینجا حضور دارند، مشغول ترجمه این کتاب (از روی متن فرانسه و با توجه به ترجمه انگلیسی آن) هستند که انتشارات «هرمس» آنرا منتشر خواهد کرد. خانم دکتر بحرینی و آقای مهندس ساغروانی، مدیر محترم انتشارات «هرمس»، از من خواستند که ترجمه فارسی را بازنگری کنم و من نیز با کمال میل این پیشنهاد را پذیرفتم. استاد لازار هم به من اجازه دادند که در بعضی موارد، در صورت لزوم (البته با ذکر اسم خودم) پانویسهایی به برگردان فارسی اضافه کنم. ظاهراً بزودی ویراست دوم این کتاب در فرانسه هم منتشر خواهد شد.

■ **لازار:** بنظر می رسد که نظیر چنین دستوری برای فارسی لااقل در زبانهای غربی وجود نداشته باشد.

□ **میلانیان:** البته دستورهای متعددی به زبانهای انگلیسی، روسی، آلمانی، ایتالیایی... در توصیف فارسی منتشر شده ولی همانطور که گفتم کیفیت کتاب دستور استاد لازار در ارائه جزئیات ساختار زبان فارسی معاصر چیز دیگریست که حتی در دستورهای فارسی ایران نیز کمتر بچشم میخورد.



□ **محمدخانی:** حالا ممکنست در مورد ساختار خود کتاب و فصلهای آن هم بحثی بکنید.

□ **میلانیان:** ساختار این کتاب، اگر بشود گفت، کاملاً ساختاریست «کلاسیک»: اول آشناسی، بعد صرف و بعد نحو و سرانجام روندهای واژه‌سازی. درست میگوییم؟

■ **لازار:** همینطورست که میگوئید.

□ **میلانیان:** نحوه ارائه جزئیات، شواهد و مثالهای زنده از نویسندگان، مجلات و روزنامه‌ها، البته تا سال ۱۹۵۷، در این دستور بسیار چشمگیرست.

■ **لازار:** بخصوص از نوشته‌های صادق هدایت خیلی استفاده شده.

□ **میلانیان:** ... و مثالهای بسیاری مستقیماً از زبان گفتاری روزمره. البته در ترجمه فارسی این کتاب به مواردی که در این چند دهه دچار تحولی شده‌اند، در پانویسها اشاره شده‌است.

■ **لازار:** بله. البته در این ۵۰ سال تغییراتی بخصوص در زمینه لغات رخ داده‌است.

□ **میلانیان:** ... و در بعضی نکات دستوری. اشتباهات چاپی‌ای هم که در متن فرانسه ۱۹۵۷ و در ترجمه انگلیسی بنظر ما رسیده، تصحیح شده‌اند. ضمناً مثل اینکه شما موافقت کرده‌اید مقدمه‌ای هم برای برگردان فارسی این دستور بنویسید.

■ **لازار:** خانم دکتر بحرینی از من خواستند و من نمیتوانم به ایشان جواب رد بدهم.

□ **محمدخانی:** حال اگر شما توضیحات دیگری درباره این کتاب دارید، ما به گوشیم.

■ **لازار:** خُب بله. چنین اتفاق افتاد که دو هفته پیش، وقتی که هنوز در پاریس بودم، آقای یان ریشار که بجای آقای فوشه کور، پس از بازنشستگی ایشان، حالا مسئول بخش فارسی دانشگاه سربن جدید (پاریس ۳) هستند، به من تلفن کردند با این پیشنهاد که «دستور زبان فارسی معاصر» من با تجدید نظر منتشر شود. من به ایشان گفتم که دوسه نفر دیگر هم باید همکاری کنند تا تجدید نظر کاملی در این کتاب انجام شود چون مدتهاست که چاپ پیشین فرانسه آن تمام شده و در دسترس نیست. البته همانطور که اشاره شد، ترجمه انگلیسی آن با تغییراتی در دسترس هست و ترجمه فارسی آن هم، همانطور که گفتند، بزودی بچاپ خواهد رسید که ویراست دوم این کتاب به فرانسه میتواند از این هردو ترجمه بهره برد.

□ **میلانیان:** اجازه بدهید بار دیگر بازگردیم به زبان کهنترین آثار برجسته نثر فارسی که در ۱۹۶۳ بچاپ رسید. در این کتاب تمامی داده‌های معتبر از نثر قدیم فارسی جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل آواشناختی و دستوری و احیاناً واژگانی این داده‌ها یعنی شواهد و مثالهای هفتاد اثر کهن نثر فارسی در آن آمده. این کتاب هم، همانطور که گفتم، بسیار ارزشمند است و باید ترجمه شود. البته در سه چهار دهه گذشته داده‌های

جدیدی براساس اطلاعات تازه بدست آمده که میتوان آنها را در پانویسهای چنین ترجمه‌ای اضافه کرد و مثلاً کسی مانند دکتر رواقی میتواند از عهده این کار برآید. ولی ساختار کلی این اثر، بخصوص از نظر زیانشناسی تاریخی فارسی، اعتبار خود را حفظ کرده‌است.

□ **محمدخانی:** به چه نتایجی در این کتاب رسیده‌اید؟

■ **لازار:** به نتیجه نرسیده‌ایم. توصیف کرده‌ایم.

□ **میلانیان:** با توجه به اینکه در این کتاب نثر فارسی در سه قرن اول پیدایش آن بررسی شده، پایه و بنیاد نیست برای مقایسه با ساختار این زبان در دوره‌های بعد تحولش و سرانجام با فارسی کنونی، طوریکه بتوان تحول تاریخی و در زمانی آن را ترسیم کرد.

■ **لازار:** بایستی کسان دیگری همین کار را برای دوره‌های دیگر انجام بدهند. لودویش بال که در دانشگاه گوتینگن است، چنین قصدی داشت.

□ **محمدخانی:** شما تا چه قرنی نثر کهن فارسی را بررسی کرده‌اید؟ اولین اثری که بررسی شده چه کتابیست؟ آخرین متن کدامست؟

■ **لازار:** تقریباً تا آخر قرن پنجم هجری. اولین کتاب مقدمه شاهنامه ابومنصوری است ولی آخرین متن را الآن یادم نیست. به هر حال، همانطور که گفتند، بررسی دستوری، زیانشناختی و ساختاری کلی فارسی این متون مورد مطالعه قرار گرفته. مثلاً یک فصل به کاربرد را و یا یک فصل دیگر به استعمال حروف اضافه اختصاص یافته. این کتاب دستور سیستماتیک فارسی آن دوره نیست بلکه مجموعه‌ایست از شواهد بسیاری درباره نکته‌های ویژه دستوری و ساختمان زبان نثر کهن فارسی.

□ **میلانیان:** همانطور که پیشتر گفتم، من در ۳۵ سال پیش (۱۳۴۴) که دکترای خودم را در رشته زیانشناسی عمومی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پاریس (سربن) گرفتم و به تهران برگشتم، پیش از آنکه وارد دانشگاه تهران بشوم، شادروان دکتر خانلری از من خواست که در «بنیاد فرهنگ ایران» مسئول بخش «تاریخ زبان فارسی» بشوم. بعد دوستان دیگری که همگی اکنون استادان برجسته زبان و ادبیات فارسی هستند، و از آن میان آقای دکتر هوشنگ رهنما که در این جلسه حضور دارند، به من پیوستند و ما مدت یکسال و نیم روی ساختار فعل در متون کهن فارسی کار کردیم.

■ **لازار:** بله این، زمینه مهمی از تحقیق تاریخی است چون ساختار و کاربرد فعل در آندوره مانند امروز نبوده و مثلاً صورتی چون **می‌برود** یا **می‌نرود** یا **همی‌برود** و مانند آن کاربرد داشته.

□ **میلانیان:** چون دوستانی که در «بنیاد فرهنگ» با من همکاری داشتند با زبان فرانسه آشنا نبودند، من بخش «فعل» کتاب شما را، با حذف شواهد، ترجمه

کردم و آقای دکتر رهنما با خط زیبای خود آنرا پاکتویس کردند و همه دوستان خواندند و پس از آن بود که ما ساختار فعل را در متون مختلف کهن بررسی کردیم و نتایج بدست آمده را در جدولها و نمودارهایی ارائه دادیم. به هر حال نکاتی که در فصل مربوط به فعل کتاب زبان کهنترین آثار برجسته نثر فارسی مطرح کرده‌بودید، برای پژوهش ما بسیار مفید بود. در اینجا باید یادآور شوم که خانم دکتر بحرینی کتاب دیگر شما یعنی شکل‌گیری زبان فارسی را که مجموعه مقاله‌ها تان در این زمینه است، ترجمه کرده‌اند که انتشارات «هرمس» آنرا بزودی منتشر خواهد کرد.

□ **محمدخانی:** کتاب دیگر تان در مورد قدیمترین اشعار زبان فارسی است؟

■ **لازار:** بله. مجموعه اشعاریست از آغاز شعر فارسی تا تقریباً رودکی چون اشعار رودکی را سعید نفیسی جمع‌آوری کرده‌است. عنوان اصلی آن اشعار پراکنده نخستین شاعران فارسی زبان است.

□ **محمدخانی:** آقای لازار، شما هم روی کهنترین آثار نثر فارسی کار کرده‌اید و هم روی کهنترین اشعار فارسی. چه مقایسه‌ای میشود میان این دوزمینة ادب فارسی کرد؟

■ **لازار:** نه، کار من در این دوزمینة خیلی با هم فرق دارد چون در کتاب دوم مربوط به شعر، تحقیقی در میان نبود. فقط ابیات پراکنده‌ای جمع‌آوری شده‌اند. در حالیکه زبان کهنترین آثار برجسته نثر فارسی کتابیست که نوشتنش مستلزم کار و پژوهش زیادی بوده‌است و همانطور که گفته شد، امر توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس شواهد و مثالهای متون کهن هدف اصلی آن است. در آنزمان کسی که میخواست مانند من در فرانسه دکترای دولتی بگیرد، باید دورساله مینوشت: یکی تزل اصلی و اولی و درکنار آن رساله دومی بعنوان تزل فرعی که اشعار پراکنده نخستین شاعران فارسی زبان در حقیقت رساله فرعی دکتری من محسوب میشود. البته حالا شرایط اخذ درجه دکتری در فرانسه تغییر کرده‌است.

□ **رهنما:** اگر درست خاطر م باشد، مطالبی که در این کتاب کوچک مربوط به شعر، آقای لازار مطرح کرده‌اند، در باب منابع این آثارست و مخصوصاً بخشی که در تاریخ ایران کمبریج آمده، مشبعترین بخش این کتابست که در آنجا خلاصه شده و در آن، کهنترین اشعار فارسی ارائه شده‌اند ولی از نظر دستوری و زیانشناختی به تحلیل این اشعار نپرداخته‌اند.

■ **لازار:** همانطور که گفتم در این کتاب کهنترین اشعار فارسی فقط جمع‌آوری شده‌اند.

□ **میلانیان:** ضمناً یک تفاوت دیگر در اینست که کتاب مربوط به شعر کهن، شعرایی را مطرح میکند که کمتر شناخته شده‌اند.

■ **لازار:** بله. مثلاً شاعرانی که فقط دو بیت از آنها بجا مانده.

□ **میلانیان:** یعنی این کتاب از نظر تاریخی اهمیت دارد ولی شامل شاعرانی میشود که بیشترشان از نظر ادبی چندان اهمیتی نداشته‌اند ولی در کتاب مربوط به نثر، آثار بسیار مهم و کلاسیک نثر فارسی ارائه و تجزیه و تحلیل شده‌اند.

□ **رهنما:** این نظر شما پیشداورانه است، برای آنکه ارزش یک اثر را مربوط به کوتاهی یا بلندی آن نکنید. □ **میلانیان:** من از «ارزش» این اشعار حرفی نزد. مقصودم این بود که بسیاری از این اشعار پراکنده «ناشناس» مانده‌اند. ممکنست شما شعری دوبیتی را شاهکاری جهانی بدانید ولی اگر هیچکس این اشعار را نشناسد، ارزش آنها نادیده مانده‌است. اما مهمتر آنکه نمیتوانیم به هیچوجه دربارهٔ شاعری که بیش از دو بیت از او دردست نیست، دأوری بکنیم، نه پیشداوری و نه، اگر بشود گفت، پسداوری.

□ **رهنما:** چرا، میشود. مثلاً آن دو بیت....

□ **میلانیان:** ولی همانطور که گفتم، لاقلاً بنظر من، دو بیت معیار نمیشود چون ممکنست منم دو بیت بگویم و شاهکاری جهانی محسوب بشود ولی من با این دو بیت شاعر نشده‌ام.

□ **ساعروانی:** یعنی شاهکاری جهانی است اما به اندازهٔ دو بیت.

□ **رهنما:** به هر حال دو بیت مورد نظرم این بود:

امروز اگر مراد تو برناید،

فردا رسی به دولت آبا بر.

صدها هزار امید بنی آدم

طوقی شده به گردن فردا بر.

□ **لازار:** مال کیست این دو بیت؟

□ **میلانیان:** شعرش را بلدیم ولی شاعرش را نمیشناسیم.

□ **بحرینی:** مال طوقی کشی ایلاعی است.

□ **محمدخانی:** خُب اگر دربارهٔ این دو کتاب دیگر

سئوالی مطرح نیست، لطفاً بپردازیم به آثار دیگر ایشان. □ **میلانیان:** ... که عبارتند از ترجمهٔ آثاری از ادبیات فارسی معاصر و بویژه صادق هدایت.

□ **لازار:** در برگردان فرانسهٔ سه قطره خون ده داستان از صادق هدایت آمده. حاجی آقای هدایت هم که سالها پیش ترجمه کرده بودم، اخیراً منتشر شده‌است. البته قبل از اینها، هنگامیکه در دانشگاه تدریس میکردم، چندین داستان کوتاه ادبیات معاصر ایران را در کلاس مطرح و ترجمه میکردیم که بعداً با عنوان داستانهای کوتاه فارسی بچاپ رسید که در آن پنج شش داستان از هدایت آمده مثل «زنی که مردش را گم کرد» و دو داستان از آل احمد، یکی از دولت‌آبادی و همینطور از گوهر مراد و دوسه نویسندهٔ دیگر. این کتاب ۱۵ سال پیش منتشر شده.

□ **محمدخانی:** آثار دیگر تان چیست؟

□ **لازار:** در زمینهٔ ترجمه، صد و یک رباعی خیام است که چندین سال پیش در فرانسه بصورت دوزبانه بچاپ رسید و انتشارات «هرمس» مجدداً آنرا بصورت نقیسی در ایران منتشر کرده و مقدمهٔ مرا هم آقای میلانیان ترجمه کرده‌اند. کار دیگرم انتشار فرهنگ فارسی - فرانسه است.

□ **محمدخانی:** اگر ممکنست اول دربارهٔ این فرهنگ توضیحات بیشتری بدهید و بعد بپردازیم به صد و یک رباعی خیام؟

□ **لازار:** باید بگویم که قسمت بزرگی از این فرهنگ سهم مرحوم مهدی قوام‌نژاد بود که چند سال پیش در پاریس درگذشت و ما سالها با هم در آماده کردن این فرهنگ همکاری میکردیم. مرد بسیار خوبی بود. شما هم، آقای میلانیان، او را خوب میشناسختید.

□ **میلانیان:** بله، از نزدیک. قوام‌نژاد در پاریس مترجم رسمی هم بود.

□ **لازار:** او با استفاده از فرهنگهای موجود فیشهای لازم را تهیه میکرد و بعد ما با هم بازنگری میکردیم و من همهٔ فیشها را بدقت میدیدم و مدخلهای مشکلتر را خودم مینوشتم. همکاری ما سالها بطول انجامید.

□ **میلانیان:** منمهم وقتی که این فرهنگ تمام شده بود، در پاریس بودم و استاد لازار لطف کردند و از من خواستند که این فرهنگ را بازنگری کنم. این فرهنگ، بنظر من بسیار مفید و قابل استفاده است و نسبت به حجم خود، اصطلاحات فارسی بسیاری را زیر هر مدخل با معادل‌های فرانسهٔ آنها - و نه ترجمهٔ تحت‌اللفظی - ارائه میدهد و از این نظر، کسانیکه از فارسی به فرانسه یا از فرانسه به فارسی ترجمه میکنند، میتوانند از آن بهره‌ها ببرند.

□ **لازار:** معمولاً فرهنگ‌نویسان کوشش میکنند که هرچه بیشتر کلمه جمع‌آوری کنند. من این کار را نکرده‌ام فقط سعی کرده‌ام کلماتی که واقعاً امروز استعمال میشوند، در این فرهنگ بیابند. برای مثال، فرهنگ فارسی - فرانسهٔ معلم، فرهنگ دوجلدی ضخیمی است که مفید است ولی نظم و ترتیب چندانی ندارد. مال ما یعنی فرهنگ مهدی قوام‌نژاد و من، خیلی مرتب است و ما آگاهانه مدخلهایی را که کاربرد واقعی دارند، انتخاب کرده‌ایم. البته هیچ فرهنگی کامل نیست ولی به هر حال فرهنگ ما حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار کلمه را دربردارد یعنی تقریباً یک فرهنگ متوسط است از لحاظ شمار مدخلها.

□ **میلانیان:** ولی، همانطور که گفتم، ویژگی اصلی این فرهنگ آنست که زیر هر مدخل اصطلاحات رایجی را که نعت مدخل در آنها بکار رفته همراه با معادل‌های پذیرفتنی آن در فرانسه بدست میدهد چون معادل‌یابی کار دشوار و بسیار مهمیست، با اینهمه، همان موقعی که این فرهنگ را بازنگری میکردم، به آقای لازار گفتم که اگر چه این فرهنگ برای فرانسویانی

موسسهٔ مطالعات انسانی و فلسفی
موسسهٔ مطالعات انسانی و فلسفی

STUDES LINGUISTIQUES
II
GILBERT LAZARD
PROFESSEUR A L'ÉCOLE NORMALE DES LANGUES ORIENTALES VIVANTES

LA LANGUE
DES
PLUS ANCIENS MONUMENTS
DE LA
PROSE PERSANE

PARIS
LIBRAIRIE C. KLINCKSTIECK
1963

Persian Studies Series
Volume V number
General Editor
Number 14

A Grammar of Contemporary Persian
by
Gilbert Lazard
Membre de l'Institut

Translated by
Shirley A. Lyon

Maxta Publishers
in association with
Bibliotheca Persica
Costa Mesa, California and New York
1967

که فارسی یاد میگیرند بسیار قابل استفاده است، برعکس برای ایرانیانی که به آن رجوع میکنند، استفاده از آن خالی از اشکال نیست چون گوا اینکه تمام مدخلها به خط فارسی است، ولی تمام مثالها و اصطلاحات زیر هر مدخل به خط لاتین آوانویسی شده‌اند و در نتیجه برای بسیاری از کسانی که بخوانند در ایران از این فرهنگ استفاده کنند، خواندن مثالهای زیر هر مدخل دشوارست چون اکثریت آنان با شیوه آوانویسی فارسی به لاتین، که زبانشناسان بکار میبرند، آشنا نیستند. به همین جهت، انتشارات «فرهنگ معاصر»، از طریق من، به استاد لازار پیشنهاد کرد چاپ جدیدی - بدون آنکه در متن فرهنگ دست برده شود - از طرف «فرهنگ معاصر» منتشر شود با این تفاوت که بجز آوانویسی هر مدخل که تلفظ رایج آن را ضبط کرده، تمام مثالها و اصطلاحات زیر هر مدخل بجای آوانویسی به خط فارسی ارائه شوند. استاد لازار گفتند که از نظر ایشان ایرادی ندارد فقط باید رضایت ناشر هلندی این فرهنگ جلب شود که «فرهنگ معاصر» نیز، به پیروی از این نظر، با آنها در این مورد نامه نگاری کرده و احتمالاً بزودی این پیشنهاد عملی خواهد شد. چون واقعاً مثالها و اصطلاحات فارسی این فرهنگ رویهمرفته بسیار درست و بجا انتخاب شده‌اند.

■ **لازار:** بله، چندین نفر تابحال به من گفته‌اند که این فرهنگ بسیار در کارشان مفید بوده و از آن خیلی استفاده کرده‌اند و من از این نظر خیلی خوشحالم.

□ **میلانیان:** استاد لازار، یادتان هست که وقتی فرهنگ شما کاملاً تمام شده بود و من هم نگاه می‌کردم، در جلسه‌ای که با هم بودیم و مرحوم قوام‌نژاد هم حضور داشت، گفتم بیایید یک تستی، یک آزمایشی بکنیم. از متنهای گذشته، مثلاً شعر حافظ شروع کنیم به خواندن، تا نوشته‌ها، داستانها، اشعار و مقاله‌های امروز. یادتان هست؟ گفتم من خودم را بجای خواننده‌ای میگذارم که دارد فرهنگ شما را بکار میبرد، تا ببینیم میتوانیم لغاتی را که در این متنها می‌یابیم، در فرهنگ شما نیز پیدا کنیم؟

■ **لازار:** مثلاً کلمات حافظ را؟

□ **میلانیان:** بله. یک غزل حافظ را خواندیم و تمام واژه‌های آن را در فرهنگ شما پیدا کردیم.

■ **لازار:** البته کلمات تاریخ و صاف را پیدا نکردیم. مگر نه؟

□ **میلانیان:** قربان، ما سراغ تاریخ و صاف نرفتیم یا درّه نادری و مانند آنها، که بنظر من واقعاً به زبان فارسی نوشته نشده‌اند. دربارهٔ متون امروز هم همین آزمون را بکار بردیم. البته اگر مثلاً مقالهٔ یک روزنامه مطرح بود، وقتی واژه‌های آن را تک تک بررسی می‌کردیم و آقای قوام‌نژاد میگفتند که در فرهنگ

آمده، ما به حرف ایشان بحق اعتماد می‌کردیم.

■ **لازار:** البته باید چاپ مجدد این فرهنگ در ایران هرچه کوتاهتر از آب درآید طوری که ضخیم نباشد.

□ **میلانیان:** این البته به ناشر ایرانی آن یعنی «فرهنگ معاصر» مربوط است که چه قلمهایی را بکار برد با چه صفحه‌آرایی‌ای. ولی فکر میکنم انتشارات «فرهنگ معاصر» قطع و حجم متوسطی را در چاپ مجدد فرهنگ فارسی - فرانسه شما به بازار عرضه کند. در اینجا باید اضافه کنم تمام کتابهایی که استاد لازار در رابطه با زبان فارسی منتشر کرده‌اند، فقط جنبهٔ نظری و تئوریک نداشته‌اند که تنها برای متخصصان قابل خواندن باشند بلکه واقعاً از لحاظ عملی نیز بسیار مفید بوده‌اند.

■ **لازار:** دربارهٔ آنچه که شما در مورد چاپ مجدد این فرهنگ با مثالها و اصطلاحات آن به خط فارسی فرمودید، باید بگویم که در مذاکراتی که چند روز پیش با استادان دانشگاه مشهد داشتم، آنها هم به همین عقیده و اندیشه برای چاپ مجدد این فرهنگ افتاده‌اند ولی من گفتم که باید با آقای دکتر میلانیان برای هماهنگی تماس بگیرید.

□ **میلانیان:** من حرفی ندارم ولی باید بگویم چون انتشارات «فرهنگ معاصر» قبلاً از طریق من از شما اجازه گرفته و بعداً با ناشر هلندی آن نامه نگاری کرده، حق تقدم دارد. بعلاوه چون «فرهنگ معاصر» کارش انتشار فرهنگهای دوزبانه است و تجربهٔ زیادی در این زمینه بدست آورده، مطمئن هستم که فرهنگ شما را بسیار خوب، زیبا و خوانا چاپ خواهد کرد.

□ **بحرینی:** به‌هرحال این فرهنگ دیگر در ایران پیدا نمیشود و باید مجدداً چاپ شود.

□ **محمدخانی:** حالا اگر اجازه بدهید، به «خیام» بپردازیم که شما این بار برای شرکت در کنگرهٔ مربوط به او به ایران آمده‌اید. از تاریخچهٔ آشنایی فرانسویان با خیام شروع کنیم.

■ **لازار:** از خیام ترجمه‌های متعددی به فرانسه در دست است. اولین ترجمه مال نیکولا است که قبل از انتشار آن کنسول فرانسه در تهران بود. وی در ۱۸۶۷ اصل رباعیات خیام و ترجمهٔ فرانسهٔ آنها را چاپ کرد ولی از یک نسخهٔ خطی شامل ۴۰۵ رباعی استفاده کرده‌بود. بعضی از این رباعیات، «خیامی» اصیل بودند و بعضی دیگر «صوفی‌مآبانه» یعنی خیلی مخلوط. بعداً ترجمه‌های مختلف دیگری به چاپ رسیدند که من نمیتوانم در اینجا از آنها نام ببرم. شاید بهترینشان ترجمهٔ میرزاحمد و کلود آنه باشد که البته میرزاحمد بعداً بنام محمد قزوینی مشهورتر شد. این ترجمه در ۱۹۲۵ بچاپ رسیده.

□ **میلانیان:** محمد قزوینی فرانسه بلد بود؟ یعنی

خوب بلد بود؟

■ **لازار:** بله، فرانسه حرف میزد چون مدتی در فرانسه زندگی کرده‌بود ولی به‌هرحال با کلود آنه در مورد این ترجمه همکاری کرده‌بود و کلود آنه نویسندهٔ خوبی بود.

□ **محمدخانی:** این ترجمه چطور بود؟

■ **لازار:** متن فرانسهٔ این ترجمه خوب است. همانطور که گفتم آنه نویسندهٔ خوبی بود و گویا کتابی هم در مورد مسافرت به ایران دارد.

□ **ساغر وانی:** نامه‌های ایرانی، که فکر میکنم آقای پروشانی آنرا به فارسی ترجمه کرده.

■ **لازار:** اتفاقاً در ۱۹۵۵ یک ناشر فرانسوی تصمیم گرفته بود که این ترجمه را مجدداً چاپ کند و از من خواست که در آن تجدید نظری بکنم. من هم این کار را کردم و چند رباعی هم اضافه کردم. درست یادم نیست چند تا. شاید حدود بیست رباعی که آنها را خودم ترجمه کردم. میخواهم بگویم که علاقه‌ام به خیام به بیش از چهل سال قبل برمیگردد. بعد هم یکی دو بار با ناشرین دیگری در مورد خیام سروکار پیدا کردم تا اینکه بالاخره به این فکر افتادم که سعی کنم رباعیات خیام را به شعر فرانسه برگردانم. در همین زمینه بود که یک مقاله نوشتم برای یادنامهٔ الساندرو باوزانی، خاورشناس ایتالیایی که متخصص ادبیات فارسی و هندی و ادبیات چند زبان دیگر بود. باوزانی دانشمند خیلی خوبی بود.

□ **محمدخانی:** کتاب تاریخ ادبیات ایران او هم بسیار جالبست.

■ **لازار:** باوزانی تقریباً ده سال پیش فوت کرده. به‌هرحال مقالهٔ من در یادنامهٔ او در این باره بود که رباعی را چطور باید ترجمه کرد. به‌همین منظور یک رباعی انتخاب کردم و ترجمه‌های مختلف آن را به فرانسه، چه به نظم و چه به نثر، با هم مقایسه کردم. رباعی انتخابی من از خیام در این مقاله، این بود:

هر سبزه که برکنار جویی رُسته‌ست

گویی ز لب فرشته‌خویی رُسته‌ست

پا بر سر سبزه تا به خواری نهدی

کان سبزه ز خاک لاله‌روی رُسته‌ست

من در حدود دوازده ترجمه از این رباعی را با هم مقایسه کردم و بعد ترجمهٔ جدیدی از خودم را اضافه کردم تقریباً به شعر. و این درحقیقت اولین قدم من بود برای ترجمهٔ رباعیات خیام به شعر. در سالهای بعد بتدریج رباعیات دیگری را به فرانسه ترجمه کردم، البته درکنار کارهای دیگر چون ترجمهٔ این رباعیات مهمترین کار من نبود و درحقیقت نوعی تفنن بود. کاری

بود که از آن خوشم می‌آمد و گاهی که وقت داشتیم یا مثلاً اگر شبی خوابم نمی‌آمد، به کار ترجمه یک رباعی خیام میپرداختم تا اینکه سرانجام کتاب صدویک رباعی خیام درآمد.

□ **میلانیان:** به هرحال استاد لازار در مقدمه همین کتاب که «هرمس» در ایران تجدید چاپ کرده یعنی صدویک رباعی خیام، سبک و روش کارشان را در ترجمه رباعیات خیام به فرانسه دقیقاً توضیح داده‌اند.

□ **محمدخانی:** حالا شما اصولاً فکر میکنید که شعر ترجمه پذیرست؟

□ **لازار:** به هرحال در مورد این رباعیات من به شیوه‌ای برای ترجمه آنها به شعر فرانسه رسیده‌ام. البته، همانطور که گفتم، ترجمه‌های دیگری به شعر فرانسه هست ولی معمولاً مترجمان وزن «الکساندرن» یعنی وزن دوازده‌هجایی را در فرانسه انتخاب کرده‌اند که بنظر من بهترین قالب برای ترجمه رباعیات به فرانسه نیست و سبکیست سنگین برای رباعیات خیام.

□ **محمدخانی:** در کنگره خیام در نیشابور شما چه مسئله‌ای را مطرح کردید؟

□ **لازار:** این مسئله را که آیا رباعیات خیام مال خیام ریاضی‌دان هست یا نه.

□ **محمدخانی:** مگر شما اعتقاد دارید که دو خیام وجود داشته؟

□ **لازار:** درست نمیدانیم، یقین نداریم. به هرحال در این شک نیست که رباعیات بسیاری مال او نیست بلکه منسوب به اوست.

□ **رهنما:** به هرحال پیش از خیام هم مضامینی «خیامی» به این سینا نسبت داده شده.

□ **میلانیان:** اصولاً خود استاد لازار در مقدمه

صدویک رباعی خیام نوشته‌اند که رباعی قالبی است آسان که بسیاری از روی تفنن خیلی راحت به آن شعر میگفته‌اند. تقریباً مثل دوبیتیهای فارسی.

□ **رهنما:** عبارات دیگر، رباعی دردسترس‌ترین وزن و ساخت شعری در فارسی است.

□ **لازار:** به هرحال آنهایی که متخصص تاریخ علوم هستند، مایل نیستند بپذیرند که خیام شاعر هم بوده و اینطور استدلال میکنند که اندیشه‌های خیام شاعر را نمیتوان در آثار دیگر او پیدا کرد. پس شکی در این مورد وجود دارد که خیام ریاضی‌دان و عالم، شاعر هم بوده یا نه.

□ **محمدخانی:** بعضیها اظهار نظر میکنند که خیام نظراتش اثباتی نیست بلکه سئوالی است.

□ **رهنما:** سئوالی دارم از استاد لازار درباره وضعیت و شرایط کنونی مطالعات دستوری و زبانشناختی فارسی چه در فرانسه و چه در ایران از نظر ایشان.

□ **لازار:** بنظرم در آنچه که به دستور زبان فارسی و زبانشناسی فارسی مربوط میشود در فرانسه غیر از من کسی نیست.

□ **محمدخانی:** استادی مانند آقای فوشه کور چطور؟

□ **لازار:** ایشان زبانشناس نیستند بلکه متخصص ادبیاتند. ولی بتازگی با خاتم جوانی که از منی ایرانی است در فرانسه آشنا شده‌ام که البته هنوز در ایران معروفیتی نیافته ولی متخصص زبانشناسی فرانسه شده و در یکی از دانشگاه‌های فرانسه تدریس میکند [در دانشگاه تولوز] و دانشیار زبانشناسی فرانسه است. این خانم که زبانشناس بسیار خوبیست، اکنون مایلیست که در زمینه زبانشناسی فارسی کار بکند و من او را تشویق کرده‌ام. باید اضافه کنم که این خانم که قبلاً

پیرو چومسکی بوده، اینک پشیمان شده‌است.

□ **میلانیان:** در جواب آقای رهنما باید یادآور شوم که بجز آقای فوشه کور، ایرانشناسان برجسته‌ای مانند یان ریشار، کریستوف بالایی، فیلیپ ژینیو و فرانسیس ریشار، برنار اورکاد، ژان پیر دیگر در فرانسه تدریس و تحقیق میکنند. ولی یان ریشار متخصص تاریخ معاصر ایرانست و بالایی متخصص ادبیات معاصر ایران و فیلیپ ژینیو، متخصص زبان پهلوی و فرانسیس ریشار کارشناس نسخه‌های کهن فارسی در کتابخانه ملی فرانسه، برنار اورکاد متخصص جغرافیای ایران و دیگر، اگر اشتباه نکنم، متخصص جامعه‌شناسی ایران. استادان دیگری هم در فرانسه هستند که به زبانهای دیگر ایرانی مانند پشتو و کردی پرداخته‌اند. به اینها باید ایرانیانی مانند حسین اسماعیلی و حمیده سیار را نیز افزود که به تدریس فارسی در فرانسه اشتغال دارند. از این نظرست که استاد لازار گفتند تا آنجا که به دستور و بررسی زبانشناختی فارسی مربوط میشود، غیر از ایشان عجتاً کسی در فرانسه نیست.

اجازه بدهید در پایان این جلسه به سابقه تدریس و تحقیق استاد لازار نیز اشاره کنم: ایشان، که بسال ۱۹۲۰ در پاریس متولد شده‌اند، کار دانشگاهی خود را نخست با پژوهش در «مرکز ملی پژوهشهای علمی» آغاز کردند و سپس بعنوان استاد زبان فارسی در «مدرسه زبانهای شرقی» به تدریس پرداختند و سرانجام کرسی استادی زبانها و تمدن ایرانی را در سربین (و پس از تقسیم دانشگاه پاریس به ۱۲ دانشگاه، در سربین جدید) و نیز رهبری پژوهش در زبانشناسی و فقه‌اللغه ایرانی را در «مدرسه مطالعات عالی» (مستقر در سربین) در اختیار گرفتند.

نکته مهم دیگری که در اینجا باید به آن اشاره کنم اینست که استاد لازار بجز ایرانشناس و فارسی‌شناس بودن، زبانشناس برجسته و صاحب‌نظری نیز، در زمینه زبانشناسی عمومی، هستند و در سالهای اخیر بیشتر مقاله‌های ایشان در این زمینه بوده و نظریه‌ای که ایشان، بویژه در مورد «رده‌شناسی» زبانها، ارائه داده‌اند، Actance نام دارد که من به «کنش‌مندی» ترجمه میکنم و ایشان در مقاله‌های اخیر خود، این نظریه را بر زبانهای گوناگون و متفاوتی، از فارسی گرفته تا زبان تاهیتی و نیز زبانهای اروپایی، با شواهد بسیار، اعمال کرده‌اند. نظریه «کنش‌مندی» ایشان به رابطه مرکز جمله، یعنی در بیشتر موارد فعل، با متمم‌های اصلی آن یعنی فاعل، مفعول بیواسطه و احياناً بعضی از مفعولهای باواسطه، یعنی رابطه نحوی بنیادین جمله، و نیز چگونگی رابطه افعال لازم و متعدی و تظاهر آن در زبانهای گوناگون میپردازد. در این زمینه عده‌ای از متخصصان جوان زبانهای ایرانی در فرانسه نیز از این



نظریه پیروی میکنند.

عنوان مقاله دیگری از ایشان که اخیراً به فرانسه و در ۴۰ صفحه چاپ شده، «آیا زیانشناسی علم است؟» میباشد که باز به زیانشناسی عمومی مربوط میشود. با اجازه شما، آقای لازار، من این حاشیه را باز کردم چون ممکن بود خودتان به آن اشاره‌ای نکنید.

همچنین باید یادآور شوم که ارزش علمی استاد لازار در فرانسه کاملاً شناخته شده و به همین جهت نیز ایشان در ۱۹۸۰ به عضویت «فرهنگستان آثار منقوش و مفاخر ادبی» فرانسه برگزیده شدند.

□ محمدخانی: استاد لازار، بعنوان حسن ختام لطفاً یکی از ۱۲ غزل حافظ را که به فرانسه ترجمه کرده‌اید و اخیراً در مجله «لقمان» بچاپ رسیده، برای ما بخوانید. ■ لازار: خجالت میکشم در برابر ایرانیان از ترجمه فرانسه این غزلها صحبت کنم ولی چون نمیتوانم درخواست شما را رد کنم، اجازه بدهید ترجمه غزل «اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را» را بخوانم که سعی کرده‌ام وزنی تقریباً مانند وزن اصلی غزل حافظ به آن بدهم و در پایان هر بیت نیز قافیه‌ای بیاورم. [ژیلبر لازار نخست ترجمه این غزل را به فرانسه میخواند و سپس هرمز میلانیان اصل آن را به فارسی]

کتابشناسی آثار ژیلبر لازار (Gilbert LAZARD):^۲

۱- ایرانشناسی و زبان و ادبیات فارسی:

الف) گزیده‌ای از کتابها:

- دستور زبان فارسی معاصر، با مشخصات زیر:^۳
Grammaire du persan contemporain, Paris, Klincksieck, 1957, X + 300 p.

و ترجمه اثر بالا به انگلیسی، با مشخصات زیر:
A Grammar of Contemporary Persian, translated by S. A. LYON. Cesta Mesa, California / New York, Mazda Publishers, 1992, 301 p.

- زبان کهنترین آثار برجسته نثر فارسی، با مشخصات زیر:

La langue des plus anciens monuments de la prose persane, Paris, Klincksieck, 1963, 536 p.

[Thèse principale].

- اشعار پراکنده نخستین شاعران فارسی زبان، با مشخصات زیر:

Les premiers poètes persans. Fragments rassemblés, édités et traduits, Paris, A. Maisonneuve /Téhéran, Département d'Iranologie de l'Institut franco-iranien, 1964.

- فرهنگ فارسی-فرانسه (با همکاری مهدی قوام‌نژاد)، با مشخصات زیر:

Dictionnaire persan-français, Leiden, Brill, 1990, XVII + 482 p.

- ریشه‌های فارسی ادبی، با مشخصات زیر:

The Origins of Literary Persian, Washington, The Foundation for Iranian Studies, 1993. 42 p.

- شکل‌گیری زبان فارسی (مجموعه مقالات)، با مشخصات زیر:^۴

La formation de la langue persane, [Paris / Louvain], Diffusion Peeters, 1995 (Travaux et mémoires de l'Institut d'études iraniennes, 1) [Recueil d'articles].

ب) گزیده‌ای از ترجمه‌ها:

- داستانهای کوتاه ادبیات فارسی: ایران امروز به روایت نویسندگان، با مشخصات زیر:

Nouvelles persanes: l'Iran d'aujourd'hui évoqué par ses écrivains, choix de textes, traduction et présentation par G. Lazard, Phébus, 1980, 270 p.

- صادق هدایت، سه قطره خون (مجموعه داستان)، با مشخصات زیر:

Sadeq HEDAYAT, *Trois gouttes de sang*, traduit du persan par G. Lazard, Paris, Phébus, 1988, 190 p. [Recueil de nouvelles].

- صادق هدایت، حاجی آقا، با مشخصات زیر:

S. HEDAYAT, *Hādji Aghā*, traduit du persan par G. Lazard, Paris, Phébus, 1996, 190 p.

- عمر خیام، صد و یک رباعی (متن دوزبانه)، با مشخصات زیر:

OMAR KHAYYAM, *Cent un quatrains. Choix, traduction du persan et présentation*, Paris, La Différence, 1997, 128 p. (Collection "Orphée").

و چاپ مجدد همین کتاب در ایران، با مشخصات زیر:

صد و یک رباعی خیام (متن دوزبانه)، گزینش اشعار و برگردان فرانسه از: ژیلبر لازار. انتشارات هرمس، تهران ۱۳۷۸.

- صادق هدایت، مردی که نفسش را کشت (مجموعه داستان)، با مشخصات زیر:

S. HEDAYAT, *L'homme qui tua son désir*, récits traduits du persan par C. Balay, G. Lazard et D. Orpillard, Paris, Phébus, 250 p.

ج) گزیده‌ای از مقاله‌ها:

- فصلهای مربوط به «ادبیات کهن زبانهای ایرانی» و «ادبیات فارسی» در



تاریخچه ادبیات در جهان، دانشنامه پلاید، با مشخصات زیر:

Chapitres "Littératures iraniennes anciennes" et "Littérature persane", dans *Histoire des littératures* (Encyclopédie de la Pléiade), Paris, Gallimard, 1956. P. 621-630 et 891-914.

— «واژه‌بست اسمی -ای /-i/ در فارسی: یک تکواژ یا دو تکواژ؟»

با مشخصات زیر:

"L'enclitique nominal -i en persan: un ou deux morphèmes?", *Bulletin de la Société de linguistique* 61/1, 1966, p. 249-264.

— «پژوهشی کمی در تحول یک تکواژ: حرف اضافه موخر را در فارسی»، با مشخصات زیر:

"Etude quantitative de l'évolution d'un morphème: la postposition *râ* en persan", *Mélanges Marcel Cohen*, La Haye/Paris, Mouton, 1969, p. 181-188.

— «ریشه‌های شعر فارسی»، با مشخصات زیر:

"Les origines de la poésie persane", *Cahiers de civilisation médiévale* 14, 1971, p. 305-317.

— «روند اعتلای زبان فارسی نوین»، با مشخصات زیر:

"The Rise of the New Persian Language", *Cambridge History of Iran*, t. IV, Cambridge, Cambridge University Press, 1975, p. 595-632 et 692-696.

— «نکاتی چند درباره سبک ترجمه‌های قدیمی

قرآن و کتاب مقدس به فارسی»، با مشخصات زیر:

"Remarques sur le style des anciennes traductions persanes du Coran et de la Bible", *Bulletin d'études orientales* (Damas) 30, 1978 (= Mélanges H. Laoust), p. 45-49.

— «ساختار اشعار فروغ فرخزاد»، با مشخصات زیر:

"La versification de Foruq Farroozâd", *Studia iranica* 12, 1983, p. 223-229 [= EVLIA 3].

— «مقولات تکواژهای قاموسی در زبان فارسی»، با مشخصات زیر:

"Les classes de lexèmes en persan", *Modèles linguistiques* VIII/1 (= fasc. 15), 1986, p. 85-93.

— «جنبه فعل در زبانهای ایرانی-آریایی»، با

مشخصات زیر:

"L'aspect dans les langues irano-aryennes",

Cahiers Ferdinand de Saussure 41, 1987 (Cahier dédié à G. Rodard), p. 109-116

— «پازند، پهلوی و فارسی نوین»، با مشخصات زیر:

"Pazand, Pahlavi and New Persian", *K. R. Kama Oriental Institute International Congress Proceedings (5th to 8th January 1989)*, Bombay, 1991, p. 247-253.

۲- زبانشناسی عمومی:

الف) گزیده‌ای از کتابها:

— گنشمندی، با مشخصات زیر:

L'actance, Paris, PUF, 1994, 288 p. (Collection "Linguistique nouvelle").

— ترجمه انگلیسی همین کتاب، با مشخصات زیر:

Actancy, Berlin/New York, Mouton de Gruyter, 1998.

— مسائل زبانشناسی عمومی: رده‌شناسی دستوری

(مجموعه مقالات، زیر چاپ)، با مشخصات زیر:

Questions de linguistique générale: typologie grammaticale, Société de linguistique de Paris, s.p. [Recueil d'articles].

ب) گزیده‌ای از مقاله‌ها:

— «جستجوی جهانی‌های معنایی در زبانشناسی»،

با مشخصات زیر:

"La quête des universaux sémantiques en linguistique", *Actes sémiotiques, Bulletin* 4, fasc. 19, 1981, p. 26-37.

— «ساختار گنشمندی در زبانهای ایرانی-آریایی»،

با مشخصات زیر:

"Structures d'actance dans les langues irano-aryennes", *Actes de la session linguistique d'Autsois (septembre 1978)*, 1981.

— «تمایز میان اسم و فعل در صرف و در نحو»، با مشخصات زیر:

"La distinction entre nom et verbe en morphologie et en syntaxe", *Modèles linguistiques*

VI/1 (= fasc. 11), 1984, p. 29-39.

— «تعریف گنشمندها در هجده زبان»، با

مشخصات زیر:

"La définition des actants dans dix-huit langues", *Actances* 5, 1991, p. 103-143.

— «رده‌شناسی برپایه نظریه گنشمندی»، با

مشخصات زیر:

"La typologie actancielle", in *Studi italiani di linguistica teorica e applicata*, 26/2 (1997), p. 205-226.

— «تعریف گنشمندها در زبانهای اروپایی»، با

مشخصات زیر:

"Définition des actants dans les langues européennes", in J. Feuillet, éd., *Actance et valence dans les langues de l'Europe* (Berlin/New York, Mouton de Gruyter, 20-2, 1998), p. 11-146.

— «آیا زبانشناسی علم است؟»، با مشخصات زیر:

"La linguistique est-elle une science?", *Bulletin de la Société de linguistique de Paris* 94 (1999), p. 67-112.

پانویس:

- ۱- «فرهنگستان آثار منقوش و مفاخر ادبی» یکی از پنج فرهنگستان «بنیاد فرانسه» (Institut de France) بشمار میرود که «آکادمی فرانسه» نیز یکی از آنهاست. سه فرهنگستان دیگر عبارتند از: «فرهنگستان علوم»، «فرهنگستان هنرهای زیبا» و «فرهنگستان علوم اخلاقی و سیاسی».

۲- یادآور میشویم که بخاطر محدودیت صفحات این ماهنامه، در اینجا تنها گزیده‌ای از میان آثار پرشمار ژیلبر لازار، چه در زمینه ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی و چه در زمینه زبانشناسی عمومی، ارائه شده‌است.

۳- برگردان فارسی این اثر از خانم دکتر مهستی بحرینی، بزودی از سوی «انتشارات هرمس» منتشر خواهد شد.

۴- برگردان فارسی این اثر از خانم دکتر مهستی بحرینی، بزودی از سوی «انتشارات هرمس» منتشر خواهد شد.